زیر آسمان فیروزه ای

نامه ۲۵۰ هنرمند به وزیر ارشاد:

مقررات ممیزی، شفاف شود

● **شرق:** هرچند به نظر می‌رسد ممیزی در حوزه تجسمی آنچنان کـه در حوزه‌های دیگر فرهنگـی و هنری دیده می‌شود محسوس نیست؛ اما در سال‌های گذشته باعث‌شده بسیاری از هنرمندان این عرصه خانه‌نشین شوند. فشار این ممیزی البته باعث شده تا ۲۵۰ چهره تجسمی در نامه‌ای خطاب به وزیر ارشاد خواستار ضابطه‌مندشدن ممیزی در این عرصه شوند. در این نامه که امضای چهره‌هایی چون پرویز تناولی، ابراهیم حقیقی، رویین پاکباز، منوچهر معتبر، بهرام دبیری، آرمان استپانیان، فرح اصولی، پویا آریان‌پور، فرح ابوالقاسم، فرزاد ادیبی، کوروش ادیم، بابک اطمینانی، مهرداد افسری، ایمان افسریان، آریا اقبال، سیمین اکرامی، فاطمه امدادیان، ثمیلا امیرابراهیمی، شهریار توکلی، شهلا حسینی، مهدی حسینی، هلیا دارابی، آریاسپ دادبه، رضا درخشانی، یحیی دهقان‌پور، امیر سقراطی، حمید شانس، رزیتا شـرف‌جهان، سـعید شهلاپور، قباد شـیوا، بهرنگ صمـدزادگان، احمد عالـی، مینا غازیانـی، گلناز فتحی، رعنا فرنود، میترا کاویان، حمید کشمیرشکن، پری‌یوش گنجی، محمدحسین ماهر، احمد مرشدلو، بهروز مسلمیان، معصومه مظفری، مهران مهاجر، کریم نصر، شهروز نظری، امین نورانی، مینا نوری، احمد وکیلی، غزاله هدایت، پیمان هوشـمندزاده و... پایش هست از وزیر ارشاد خواسته شده راسا مسـوولیت تام صیانت از مقررات مربوط به ارایه آثار تجسمی را بپذیرد.

در بخشی از این نامه آمده است: «مدارا و تساهل فرهنگی، پذیرش نقش حمایتگرانه دولت به‌جای تصدی‌گری، ایجاد اعتدال در نقش نظارتـی و کنترلی، تلاش برای [کاهش] دولتی‌کردن فرهنگ و برخوردهای غیرفرهنگی با اصحاب فرهنگ و تلقی‌های عمدتا امنیتی تهدیدآمیز از کار آنان، رفع موانع تولید و عرضه آثار و محصولات فرهنگی و هنری، دفاع از کیان و استقلال فرهنگ و اصلاح نگاه سیاسی و امنیتی به آن، جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی و فردی در اجرای قوانین و مقررات، اجرای کامل قانون انتشـار و دسترسـی آزاد به اطلاعات، جلوگیری از اعمال سـلیقه شـخصی و غیرقانونی و حذف خلأهای قانونی و حقوقی در فعالیت‌های نظارتی بخش فرهنگ و هنر، حمایت از تولید محصولات فرهنگی، تسهیل و روان‌سازی قانونی و مقرراتی برای ظهور خلاقیت‌های فرهنگی و هنری...». هنرمندان تجسمی ضمن اشاره به «تنوع اقوام و فرهنگ و سلیقه‌های متنوع در جامعه ایرانی» و با تاکید بر اینکه «این حساسیت‌ها، هنر را به سمت زیرزمینی‌شـدن می‌برد»، آورده‌اند: «هنر، عرصه تضارب آرا است و هرگونه اراده یا برنامه‌ای برای اصلاح و بهبود کیفیت آثار هنری، تنها از طریق رویارویی آزاد انواع هنرها در جامعه امکان‌پذیر اسـت، نه با استفاده از ابزار حذف و ممیزی. در سال‌های اخیر، هنرمندان بیش از محدودیت‌های نظارتی دولتی، از فشـارهای سلیقه‌ای مراکزی از قدرت به زحمت افتاده‌اند که ورای سـاز و کار قانونی و معمولا به بهانه‌های شرعی یا سیاسـی امکان نمایش و عرضه آثار فرهنگی را محدود یا منتفی کرده‌اند. در سال‌هایی که گذشت، چندبار دیدیم که نگارخانه‌ای در روز اول نمایشـگاه تفتیش شد و آثـاری، بدون دلیل منطقی از مجموعه کار هنرمند حذف شد؟ چندبار شـنیدیم که نگارخانه‌ای به دلایل نامعلوم و بهانه‌های مختلف تعطیل شد؟ چندبار فهمیدیم که این یا آن هنرمند از حق نمایش آثار خود محروم شد؟ چه کسی از وضع معاش و وضعیت روحی و روانی این هنرمندان خبر دارد؟ طبیعی است که این فشارها و محدودیت‌ها هنرمندان را دلسرد کرده، یا به انفعال و خاموشی می‌کشاند یا به فکر مهاجرت و نمایش آثار خود در خارج از ایران می‌اندازد.»

این هنرمندان با تاکید بر اینکه «آزادی به‌معنای رهایی بی‌قید و شـرط نیسـت و همواره در محدوده قانون معنا می‌یابد»، خواسته‌های خود را چنین برشمرده‌اند:

«۱- ممیزی پیش از نمایش آثار **لغو** گردد.

۲- مقررات مشخص و شفاف و کارشناسانه برای ارایه آثار تجسـمی تدوین گردد. مقرراتی که با حداکثر دقت و صراحت، وظایف و اختیـارات دولت و حقوق و آزادی‌های هنرمندان را معین کند.

۳- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رأسا، مسوولیت تام صیانت از مقررات مربوط به ارایه آثار تجسمی را بپذیرد.»

تماشاخانه

معرفی شورای سیاستگذاری هفتمین جشن ادبیات نمایشی

● **شرق:** اعضای شورای سیاستگذاری هفتمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران توسط کانون نمایشنامه‌نویسان خانه تئاتر ایران انتخاب و معرفی شدند. بر اسـاس انتخاب هیات‌مدیره وقت هر دوره کانون نمایشنامه‌نویسـان ایران، محمد چرمشـیر، علی‌رضـا نـادری، محمـد امیریاراحمـدی، بهزاد صدیقی و حسن باسـتانی به‌عنوان اعضای شورای سیاستگذاری هفتمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران انتخاب و معرفی شدند. هفتمین دوره انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران به دبیری بهزاد صدیقی توسط کانون نمایشنامه‌نویسان خانه تئاتر ایران برگزار می‌شود.

تصحیح و پوزش

روز ۹ آذر مقاله‌ای با عنوان «منیت‌های بازدارنده» از آقای «علی سـنجابی» در صفحه ۱۱ چاپ شد که متاسـفانه تصویر نویسنده مطلب به اشتباه انتخاب شده بود. به‌این‌وسیله از نویسنده محترم آن مقاله و خوانندگان عزیز پوزش می‌خواهیم.

هفت جهان

نقاشی، سرگرمی جدید رییس‌جمهور سابق آمریکا

جورج بوش؛ مقابل بوم

نیما توسـلی: وقتی هنوز در کاخ‌سـفید بود، او را رییس‌جمهور دوستدار نقاشی خطاب می‌کردند. حالا که دوران بازنشستگی خود را طی می‌کند، با قلم‌مو و پالـت روزهایش را می‌گذراند. «جورج بوش» که هفته گذشته میهمان شو تلویزیونی «سه‌شنبه‌شب» بود، پرتره‌ای از مجری برنامه، جی لنو، را نیز به همراه خود داشت، که کار نسبتا بدی هم نبود. «از پنج‌سال پیش که کاخ‌سفید را ترک کردم، نقاشـی می‌کنم. شاید به نظرتان من نقاش نباشم، اما من خودم را یک نقاش می‌دانم. آنقدر وسوسه این سرگرمی را داشتم که برای خودم یک معلم نقاشی استخدام کردم.» اینها صحبت‌های رییس‌جمهور سـابق ایالات متحده درباره فعالیت این‌روزهایش است. به اعتقاد برخی منتقدان نقاشی‌های جورج بوش، می‌توانند میراث ماندگارتری نسبت به اقداماتی باشند که او طی هشت‌سال در مقام یک رییس‌جمهور انجام داد. چهل‌وسومین رییس‌جمهور آمریکا، خود معتقد است که میراثی که به‌جا گذاشته نیازمند زمان اسـت تا ارزیابی شـود! او می‌گوید: «من با ایمان کارهایم را انجام دادم. خانواده‌ام همواره پشـت من بوده‌اند و همواره سعی کرده‌ام بهترین کاری که از دسـتم برمی‌آیـد را انجام دهم. تاریخ نیاز به زمـان دارد تا درباره تصمیمات من قضاوت کند. به همین دلیل من خیلی نگران کارهایی که انجام داده‌ام نیستم، از جمله جنگ عراق!» تعدادی از رییس‌جمهورهای آمریکا بعد از ترک کاخ‌سفید، جذب کارها و علاقه‌مندی‌های شـخصی خود شده‌اند که ممکن است هیچ ربطی به سیاست و کارهای قبلی آنها نداشته باشد. از جمله بیل کلینتون که بعد از پایان دوران ریاست‌جمهوری خود مدتی به‌عنوان مجری تلویزیونی فعالیت می‌کرد. با این حال به نظر می‌رسـد جورج بوش به سرگرمی جدید خود علاقه زیادی نشان می‌دهد. به‌جز حضور او در برنامه زنده تلویزیونی در هفته گذشته، خبرهای دیگری نیز حاکی از آن اسـت که یکی از نقاشـی‌های جورج بوش که سـر پرنده‌ای را به تصویر کشـیده، قرار است در حراج کریسمس برای فروش عرضه شود. این نقاشی، یک سهره قرمز نشسته روی یک شاخه را نشان می‌دهد.

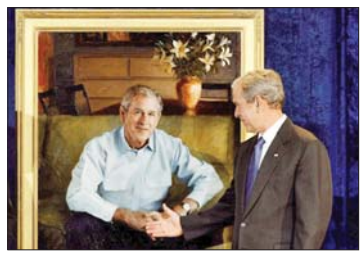

گلایه‌های مریم زندی در برنامه «۱۰روز با عکاسان»:

نامه‌ام، رنجنامه عکاس زن مستقل است

شـرق: پنجمین نشست «۱۰روز با عکاسـان» به‌دلیل بحث و مجادله میان مریم زندی و سـیف‌الله صمدیان با حاشیه همراه شـد و مریم زندی جلسه سـخنرانی را ترک کرد. دومین دوره «۱۰روز بـا عکاسـان» از دوم تا دوازدهم آذر بـا موضوع «پروژه عکاسـی»، نمایش آثاری از عکاسـانی که یک ایده را سـال‌ها دنبال کرده‌اند و برگزاری نشسـت‌های تخصصی برگزار شـد. در پنجمیـن روز برگزاری این نشسـت‌ها که شـنبه، ۹آذر در دو پانل یک‌ساعت‌ونیمه برگزار شـد، قرار بود پانل اول ساعت ۱۷:۳۰ به اتمام برسـد تا بعد از استراحتی نیم‌ساعته، از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰ نیز پانل دوم با سـخنرانی مریم زندی در مورد پروژه «چهره‌ها»، مجید سـعیدی در مورد «عکاسی در جنگ» و بهزاد ترکی‌زاده درباره «عکاسـی زیـر آب» ادامه پیدا کند اما به‌دلیل اینکه پانل اول تا سـاعت ۱۸:۳۰ به طول انجامید، تنها ۱۰دقیقه وقت استراحت داده شد و پس از آن سعید دستوری، مدیر جلسه پانل دوم به روی صحنه آمد و از مریم زندی برای سخنرانی درباره پروژه‌اش دعوت کرد. زندی در ابتدا به تعریف پروژه عکاسـی پرداخت و در سـخنانی گفت: «پروژه‌ها معمولا طولانی و با برنامه‌ریزی مشـخصی انجام می‌شـوند یعنی اگر ۱۰سال سفر برویم و از پنجره‌های ایرانی عکس بگیریم، پروژه به حساب نمی‌آید چون پروژه از قبل تعریف شده است و به همین دلیل خیلی از کارهای ما پروژه نیست اما چهره‌ها یک پروژه بود و هسـت چون وقتی آن را شروع کردم به عنوان یک پروژه به قصد درست‌کردن یک آرشیو از افراد شناخته‌شده طراحی کردم. زندی سپس با بیان اینکه در این پروژه قصد داشته کاری موثر، مفید، ماندگار و ادای دینی به فرهنگ کشورش انجام دهد، به ذکر جزییاتی از نحوه انتشـار کتاب‌های چهره‌هایش پرداخت: «وقتی کتاب چهره‌های سـه را که در مورد هنرمندان سینما و تئاتر است، آماده چاپ کردم از آقای بیضایی خواستم مقدمه‌ای برایش بنویسـد. او به آتلیه آمد و گفت آنقدر تلخ هسـتم که ترجیح می‌دهم چیزی ننویسـم چون به کتابت صدمه می‌زند. من هم امروز تلخ هستم و می‌خواهم حرف‌هایی بزنم که شاید بسیاری از آنها اولین و آخرینشان باشد.» او به متنی که همراهش بود، اشـاره کرد و گفت: «من اسـم این نامه را «رنج و مصایب یک زن عکاس که می‌خواهد پروژه فرهنگی کار کند و مستقل بماند» گذاشـته‌ام. می‌دانید که من حقوق سیاسی خوانده‌ام اما هرگز سیاسـی نبوده‌ام چون معتقدم سیاست، گذراست و هنر ماندگار. در ۲۳، ۲۴سالگی صاحب یک دوربین شدم و به هرکجا که عکس می‌فرسـتادم جایزه می‌گرفتم. بعد از آن هم تصمیم گرفتم که عکاس تلویزیون شـوم و از همان‌جا مسایلم در مورد عکاس‌شدن شروع شـد.» زندی در ادامه به مرور خاطرات خود از مشـکلاتی که برای عکاس‌شدن و اقامت‌های چند ساله‌اش در کشـورهای دیگر سـخن گفت تا به جزییـات اولین کتاب خود رسـید: «بعد از اینکه از فرانسه برگشتم، از حدود ۳۰ نفر از چهره‌های فرهنگی عکاسی کردم و چون آن موقع احمد عالی را می‌شناختم، تصمیم گرفتم عکس‌ها را به او نشان دهم. او بعد از دیدن آثارم گفت که خوب شـروع کـرده‌ام و این راه را ادامه دهم.» این عکاس همچنین مشـکلاتی را همچون ندادن مجوز برای برگزاری نمایشگاه و موانعی را که برای انتشار کتاب‌هایش داشته است، شرح داد و به چهارمین کتاب چهره‌هایش رسید. در همین حال چندین‌بار سـیف‌الله صمدیان، دبیر این دوره و سعید دستوری به‌دلیل کمبود وقت از او خواستند سخنان خود را خلاصه‌تر کند تا نیم‌ساعتی که به هریک از سخنرانان فرصت داده شده رعایت شود و نوبت به دو سخنران بعدی برسد. زندی نیز گفت که آمده اسـت تا حرف‌هایش را بزند اما بعد از چند بار تذکر عنوان کرد هرکجا زمان به اتمام برسد، صحبت‌هایش را تمام می‌کند و در حیاط خانه هنرمندان سـخنرانی را ادامه می‌دهد. بعد از گذشت چند دقیقه که زندی درحال توضیح در مورد کتاب چهارم خود و نخریدن این کتاب‌ها از سـوی وزارت ارشـاد وقت بود، صمدیان به تذکرهایش ادامه داد: «بهتر است رفتار حرفه‌ای داشـته باشیم و هرکسـی طبق زمانی که به او اختصاص داده شده است، صحبت کند چون دو سخنران دیگر هم باید صحبت کنند و مسوولان خانه هنرمندان نیز نسبت به زمان بسته‌شدن ساعت کاری اینجا تذکر داده‌اند. به‌خاطر تلاش اعضای انجمن و اینکه هشت‌سال برای گرفتن پرونده دوندگی کرده‌اند، احترام بگذاریم تا برنامه‌ها پیش برود و همه سخنرانی کنند. شما صحبت‌هایتان را خلاصه‌تر کنید و بقیه حرف‌هایتان را در «بی‌بی‌سی» بزنید.» زندی هم با شنیدن این جمله از صمدیان پرسـید که چرا باید حرف‌هایش را به «بی‌بی‌سی» بدهد و برای مردمی که در این محل حاضر شده‌اند، سخن نگوید و ادامه داد: «هشت‌سال برای گرفتن پروانه این انجمن دوندگی کرده‌اند ولی من را مجبور کردند که از عضویت در هیات‌مدیره آن اسـتعفا دهم. قرار بود قبل از گرفتن پروانه انجمن، حرفی در این مورد نزنم اما من یک نامه سرگشاده هم برای دفتر ریاست‌جمهوری نوشته‌ام و در آن گفته‌ام که امید و عدالت بر میهن ما تابیده شده اسـت، پس ای عدالت به میهن من بتاب.» مریم زندی با گفتن این سخنان، جلسـه را ترک کرد و به‌دنبال آن مجید سعیدی ضمن نشان‌دادن کلیپی از پروژه عکاسی جنگ در افغانستان به سوالات حاضران پاسخ داد.

عکس: مهدی حسنی/شرق

بازگشت کامبیز درمبخش با «دلقک‌ها»

هنرمندان، خنده را به جامعه بازگردانند

عکس: شرق

شرق، سحر آزاد: یکی از دلقک‌های کامبیز درمبخش برای خود او دوسـت داشـتنی‌تر از بقیه است؛ همان تابلویی که در قسمت پایین آن تعدادی مدادرنگی، یک مدادتراش، یک پاک‌کن و یک تیغ نیز گنجانده شـده. این اثر، اولین تابلویی اسـت که پس از ورود به گالری سیحون چشم هر بیننده‌ای به آن می‌افتد. درمبخش که در سال‌های اخیر در زمینه برگزاری نمایشگاه حضور فعالی داشـته و معمولا چند نمایشگاه در سال برگزار کرده، امسـال نیز با برگزاری نمایشگاه «پانتومیم روی کاغذ» مجموعه دلقک‌های خود را از روز جمعه، هشتم آذر در گالری سیحون نمایش داده است.

درمبخش در بخشـی از این مراسـم در کنار یکی از بازدیدکننـدگان که بینی قرمز رنگی مانند دلقک‌ها گذاشـته، ایستاده است تا عکسی یادگاری رقم بخورد. او البته از ابتدای مراسم افتتاح با بسیاری از مخاطبانش عکس گرفته و شاید به همین دلیل است که می‌گوید انرژی زیادی از دست داده: «بازدیدکنندگان زیادی آمده بودند که برخی از آنها از اعضای سفارت بودند. با اینکه نمایشگاه خوبی شده است اما خسته شده‌ام چون مردم دوست دارند عکس بگیرند یا کتابی را برایشان امضا کنم که همه اینها انرژی می‌گیرد. با همه اینها خوشحالم که هنوز مردمی علاقه‌مند کاریکاتور هستند، به خصوص جوانان.»

وقتـی در مـورد اولین تابلویی که بـه دلیل وجود مدادرنگی‌ها با دیگر آثارش متفاوت شده‌اند، می‌پرسیم، می‌گوید: «خودم این تابلو را بیشتر از بقیه دوست دارم. به همین دلیل هـم پنج‌میلیون‌تومان برای آن قیمت گذاشته‌ام که کسی به صرافت خرید آن نیفتد.»

درمبخش سـپس با اظهار خوشحالی از اینکه علی مرادخانـی، معاون هنری وزارت ارشـاد از نمایشـگاه او بازدید کرده، دو تابلو را نشـان می‌دهد که از سـوی این معاونت خریداری‌شـده است. اتفاقا یکی از همین تابلوهای خریداری شده، سه دلقک را در حال نواختن طبلی‌پاره، گیتار و ویولن نشـان می‌دهـد که یکی از تابلوهای مورد علاقه بازدیدکنندگان نمایشگاه نیز هست و برخی از آنها در صحبت‌هایشان با این کاریکاتوریست، می‌گویند از این تابلو خوششان آمده است. درمبخش همچنین درباره آثار این نمایشگاه به «شرق» می‌گوید: «بیشـتر این آثار، طرح‌هایی هسـتند که ایـده آنها از ۲۵، ۳۰ سـال قبل در ذهنم شکل گرفته بود و به مرور آنها را اجرا کرده بودم اما برخی از آنها نیز سـوژه‌هایی مربوط به دو ماه اخیر هستند.»

او که آثارش در بسـیاری از موزه‌های دنیا نگهداری می‌شـود، ادامـه می‌دهد: «دلقک‌هایی کـه من آنها را کشـیده‌ام صرفا برای خنده نیستند بلکه دلقک‌هایی اندیشمند و دانا هستند.»

درمبخش همچنین درباره نقش دلقک‌ها می‌گوید: «دلقک‌ها یادآور شادی و خنده در جامعه هستند. این روزها هم جای خالی شادی و خنده در جامعه احساس می‌شود. هنرمندان می‌توانند با هنرشان این حس را به آنها منتقل کنند.»

او همچون دیگر نمایشـگاه‌هایش، دفتری با عنوان «پشت‌صحنه» را عرضه کرده است که در آن تعدادی از طرح‌های اولیه این آثار را نشان داده است؛ طرح‌هایی که منجر به خلق ۴۷تابلوی نمایشگاه شده است. تعدادی از آثار با پاسـتل و مدادرنگی و تعدادی مرکب روی کاغذ هستند که تا ۲۰آذر در گالری سیحون واقع در خیابان خالداسلامبولی، کوچه چهارم به روی دیوار هستند.

چهره روز

سرعت، جان بازیگر «سریع و خشمگین» را گرفت

مرگ «پل واکر» در تصادف مرگبار

● **شـرق:** پل واکر، بازیگر نقش برایان اوکانر کارگاه اداره پلیـس لس‌آنجلـس در مجموعـه فیلم‌های «سریع و خشمگین» (Fast and the Furious) در یک تصادف در کالیفرنیا درگذشـت. این بازیگر ۴۰سـاله هالیوود روز شـنبه در حالی که به همراه یکی از دوسـتانش از مراسمی خیریه برای کمک به بازماندگان توفان هایان بازمی‌گشت با اتومبیل خود به تیر چراغ برقی اصابت کرد؛ به‌طوری که اتومبیل در همان ثانیه‌های اول آتش گرفت و واکر به کام مرگ فرو رفت؛ مرگی که بی‌شـباهت به نقشی که در این فیلم بازی کرده بود، نبود. او مانند فیلم در تصادفی مرگبار در خیابان‌های کالیفرنیا کشته شد. با مرگ واکر قطعا سرنوشت فیلم هفتم و قسمت‌های بعدی «سـریع و خشمگین» نامشخص اسـت. به گزارش هالیوود ریپورتر، سخنگوی پلیس لس‌آنجلس تنها تصـادف را تایید کرده و هویت سرنشـینان و علت مرگ را اعلام نکرده اسـت. اداره پلیس لس‌آنجلس در بیانیه‌ای رسـمی اعلام کرده کـه «اداره تحقیق در مرگ‌های مشـکوک لس‌آنجلس کانتی، هویت قربانیان و علت مرگ را تعیین خواهد کرد.»

شـهرت پل واکر برای بازی در نقـش اوکانر در مجموعه سریع و خشمگین ساخته یونیورسال بود. این کمپانی در پی اعلام خبر رسمی درگذشت واکر با انتشـار بیانیه‌ای آورده اسـت: «پل برای ۱۴سال یکی ازمحبوب‌تریـن و محترم‌ترین اعضای خانواده اسـتودیوی ما بود و از دسـت دادن او برای ما، تمام دسـت‌اندرکاران فیلم‌های «سـریع و خشمگین» و طرفداران بی‌شـمار این مجموعه، ویرانگر اسـت.» از دیگر فیلم‌های واکر می‌توان به «پرچم‌های پدران ما» و «Takers» در نقش جان راوی اشاره کرد.

او فیلم‌های «Vehicle19»، «Brick Mansions» و درام «ساعت‌ها» را آماده نمایش داشت که قرار بود ۱۳روز دیگر اکران شود.